



ترامپ و حقوق بین الملل: امپراطوری در حال احیا یا جهانی در آستانه فروپاشی؟

روزی که کاخ سفید به میدان جنگ تبدیل شد

یادداشت

دونالد ترامپ، که در ژانویه ۲۰۲۵ بار دیگر کلید کاخ سفید را به دست گرفت، با شعار همیشگی اش «اول آمریکا» بازگشتی طوفانی به عرصه قدرت داشت. اما این بار، فقط حرف و شعار نبود که جهان را به لرزه درآورد؛ بلکه یک دیدار دیپلماتیک در دفتر بیضی کاخ سفید بود که به یک نزاع تمام عیار تبدیل شد. روز جمعه، ۲۸ فوریه ۲۰۲۵، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین، با چمدانی پر از امید به واشنگتن آمد تا توافقی برای منابع معدنی کشورش امضا کند و حمایت آمریکا را برای جنگ با روسیه تضمین نماید. اما آنچه رخ داد، نه یک دست دادن گرم دیپلماتیک، بلکه یکی از جنجالی‌ترین رویارویی‌های تاریخ معاصر بود.

زلنسکی، با چهره‌ای برافروخته، به ترامپ و معاونش جی دی ونس گفت: «شما مرا به کاخ سفید دعوت کردید تا به من توهین کنید؟» ترامپ هم بی‌درنگ پاسخ داد: «تو در موقعیت خوبی نیستی، هیچ کارتی برای بازی نداری و داری با جنگ جهانی سوم قمار می‌کنی.» ونس هم به میدان آمد و زلنسکی را به «بی‌احترامی» متهم کرد. این مشاجره، که جلوی چشم دوربین‌ها و خبرنگاران رخ داد، نه تنها کنفرانس خبری مشترک را لغو کرد، بلکه زلنسکی را مجبور به ترک زود هنگام کاخ سفید کرد.

این صحنه فقط یک دعوی شخصی نبود؛ بلکه پنجره‌ای بود به سوی رویکردی که می‌تواند نظم جهانی را دگرگون کند. آیا این بازگشت ترامپ، نشانه‌ای از احیای یک امپراطوری خودکامه است که با زور و تهدید پیش می‌رود؟ یا شاید زنگ خطری برای فروپاشی نظم بین‌المللی‌ای که پس از جنگ جهانی دوم با همکاری و قانون‌مداری ساخته شده بود؟ در این متن، به این پرسش‌ها می‌پردازیم و آنچه در کاخ سفید گذشت را به‌عنوان کلیدی برای درک آینده حقوق بین‌الملل بررسی می‌کنیم.

سیاست‌های ترامپ: یکجانبه‌گرایی روی دور تند

ترامپ از همان روز اول دور جدید ریاست‌جمهوری اش، نشان داد که قصد ندارد با دستکش مخملی با جهان روبه‌رو شود. او فرمانی اجرایی امضا کرد که همه معاهدات و نهادهای بین‌المللی را که آمریکا در آنها عضویت دارد، زیر ذره‌بین بازنگری قرار داد. این یعنی از سازمان ملل و ناتو گرفته تا یونسکو و

سازمان تجارت جهانی، هیچ‌کدام از گزند این سیاست در امان نیستند. برخی تحلیلگران این حرکت را «شوک انزوگرایی» نامیده‌اند، حرکتی که یادآور تصمیم آمریکا پس از جنگ جهانی اول برای دوری از جامعه ملل بود. تصمیمی که به بی‌ثباتی دهه ۱۹۳۰ و جنگ جهانی دوم دامن زد. اما تفاوت اینجاست که آمریکا در قرن بیست‌ویکم دیگر فقط یک بازیگر معمولی نیست؛ بلکه ابرقدرتی است که چرخ اقتصاد، امنیت و دیپلماسی جهانی به حضورش وابسته است. اگر این چرخ از حرکت بایستد، چه برسر نظم جهانی می‌آید؟

نظم حقوقی بین‌المللی، که پس از سال ۱۹۴۵ با محوریت آمریکا و برای جلوگیری از تکرار فجایع جنگ جهانی شکل گرفت، حالا در معرض تهدیدی بی‌سابقه قرار دارد. سازمان ملل متحد، که قرار بود نگهبان صلح جهانی باشد، بدون بودجه و حمایت آمریکا چه خواهد شد؟ نهادهای مالی مثل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که دهه‌ها ستون‌های اقتصاد جهانی بودند، در غیاب رهبری ایالات متحده چگونه عمل خواهند کرد؟ و مهم‌تر از همه، سازمان تجارت جهانی که قواعد تجارت بین‌المللی را تنظیم می‌کند، در برابر تعرفه‌های یکجانبه و خودسرانه‌ای که دولت ترامپ وضع کرده، چه مقاومتی می‌تواند نشان دهد؟ اینها پرسش‌هایی هستند که پاسخشان نه در آینده دور، بلکه همین حالا در حال شکل‌گیری است.

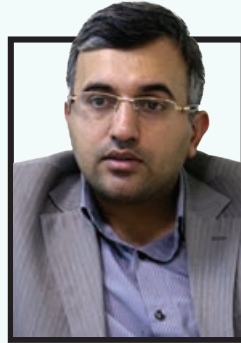
سیاست «اول آمریکا» دیگر فقط یک شعار انتخاباتی نیست؛ بلکه نقشه راهی است که می‌خواهد چندجانبه‌گرایی را به خاک بسپارد و یکجانبه‌گرایی را به قانون نانوشته جهان بدل کند.

دکتر بیضی، میدان نبرد؛ روزی

که دیپلماسی شکست خورد

حالا بیابید به آن روز سرنوشت‌ساز در کاخ سفید برگردیم. زلنسکی با هدفی روشن به واشنگتن آمده بود: امضای توافقی که قرار بود منابع معدنی غنی اوکراین از جمله ذخایر لیتیوم و عناصر کمیاب را که برای فناوری‌های مدرن حیاتی‌اند در اختیار آمریکا قرار دهد و در ازای آن، حمایت نظامی و سیاسی بیشتری برای جنگ با روسیه جلب کند. اما از همان لحظه‌ای که زلنسکی پای خود را به دفتر بیضی گذاشت، معلوم بود که قرار نیست همه چیز طبق برنامه پیش برود.

ترامپ، با آن لحن آشنای آمرانه‌اش، شروع کرد: «تو باید قدردان باشی. بدون ما، کشورت نابود شده بود. نیروی انسانی‌ات ته کشیده و هیچ گزینه‌ای نداری.»



حمید قنبری

پژوهشگر
حقوق بین‌الملل